

بەتەرخدا

۱
ماجرای جویی
خفن
راز پروفیسور
آچومبە
پروفیسور
باسفینە

هوپا
Hoopa

ماجرای جویبی

ظفن

راز پروفیسور

باسفینہی
پروفیسور
آچومبہ



ژانومہ کوپونس
تصویرگر: اُسکار ژولوه
مترجم: آزادہ رادکیان پور

Original title: Aventura total: El secreto del profesor
 © 2019 Jaume Copons, for the text
 © 2019 Òscar Julve, for the illustrations
 © 2019 Penguin Random House Grupo Editorial, S.A.U.
 Translation rights arranged by IMC Agència Literària, SL.
 All rights reserved.
 Persian Translation © Houpa Publication, 2024



نشر هوپا در چارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از آژانس ادبی نویسنده و تصویرگر آن خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، ژانومه کوپونس، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.
 اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت ژانومه کوپونس این کار را کرده است.

lllll institut ramon llull

This work was illustrated with the help of a grant provided by the Institut Ramon Llull

سرشناسه: کوپونس، خانومه، ۱۹۶۶ - م.
 Copons, Jaume
 عنوان و نام پدیدآور: راز پروفیسور ژانومه کوپونس : تصویرگر
 اسکار ژولوه : مترجم آزاده رادکیان‌پور.
 مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص. مصور(رنگی)
 فروست: ماجراجویی خفن با سفینه‌ی پروفیسور آچومه: ۱.
 شابک: ۳-۵۱۷-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: El secreto del profesor (Aventura Total)
 موضوع: داستان‌های ماجراجویانه
 Adventure stories
 موضوع: داستان‌های طنزآمیز
 Humorous stories
 شناسه افزوده: خولوه، اوسکار، ۱۹۷۲ - م.، تصویرگر
 شناسه افزوده: Julve, Òscar, 1972
 شناسه افزوده: رادکیان‌پور، آزاده، ۱۳۶۵ - مترجم
 رده‌بندی دیویی: ۹۱۰۴ دا
 شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۷۳۱۹۵۰



نویسنده: ژانومه کوپونس
 تصویرگر: اسکار ژولوه
 مترجم: آزاده رادکیان‌پور
 ویراستار: مانا رجب‌زاده
 طراح گرافیک جلد: علی بخشی
 طراح گرافیک: سحر احدی، شیما هاشمی
 ناظر چاپ: سینا برازوان
 نوبت چاپ: دوم
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۲۱۰۰۰۰ تومان
 شابک: ۳-۵۱۷-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸

هوپا
 Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی
 صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ www.hoopa.ir info@hoopa.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
 استفاده از متن این کتاب فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

فصل اول

کلاس فوق برنامه‌ی

اجباری

- علوم کاربردی
- ماجراجویی علمی
- رباتیک پیشرفته

هر ترم، بچه‌های مدرسه‌ی اولییس و لیا می‌توانستند از بین این سه کلاس فوق‌برنامه، یکی را انتخاب کنند: علوم کاربردی، روباتیک پیشرفته و ماجراجویی علمی. ولی امسال، همان روزی که بچه‌ها کلاس فوق‌برنامه‌شان را انتخاب می‌کردند، لیا سرما خورده بود و مانده بود توی خانه.



اولییس و لیا عصبانی بودند، خیلی عصبانی. برای عصبانیتشان هم دلیل داشتند. آن‌ها تنها دانش‌آموزان کلاس بودند که به خاطر گنج‌بازی خودشان، الکی الکی مجبور شده بودند بروند سر کلاس ماجراجویی علمی.

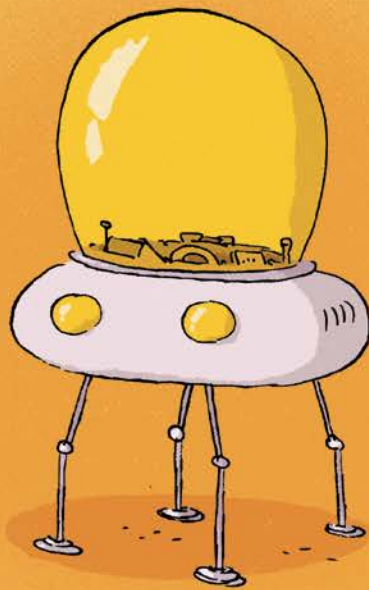


چون دو کلاس دیگر پر شده بودند، خانم معلم اولییس و لیا، اسمشان را نوشت توی کلاس ماجراجویی علمی. البته اولییس و لیا غرغر کردند، ولی تصمیم دیگر گرفته شده بود و چاره‌ای نداشتند جز این که بروند سر کلاس پروفیسور آچومبه.

وضع اولییس بدتر بود. او سر کلاس حاضر بود، ولی چون کشف جدیدی کرده بود و فکرش خیلی درگیر آن بود، متوجه نشد هم کلاسی هایش دارند درس‌های فوق برنامه‌شان را انتخاب می‌کنند.



فصل دوم
سرنديپ
ماشين نيست



چند روز بعد، سر جلسه‌ی دوم کلاس، اوضاع تغییر کرد. بکھو چیزی توجه لیا را جلب کرد و همه‌ی ماجراها از همان جا شروع شد.

نه خیر! سرنديپ ماشین نیست! سفینه‌ست! شما هم حق ندارید سوارش بشید!

خیلی خب، حالا برگردیم سر زندگی هیجان انگیز لیوینگستن...

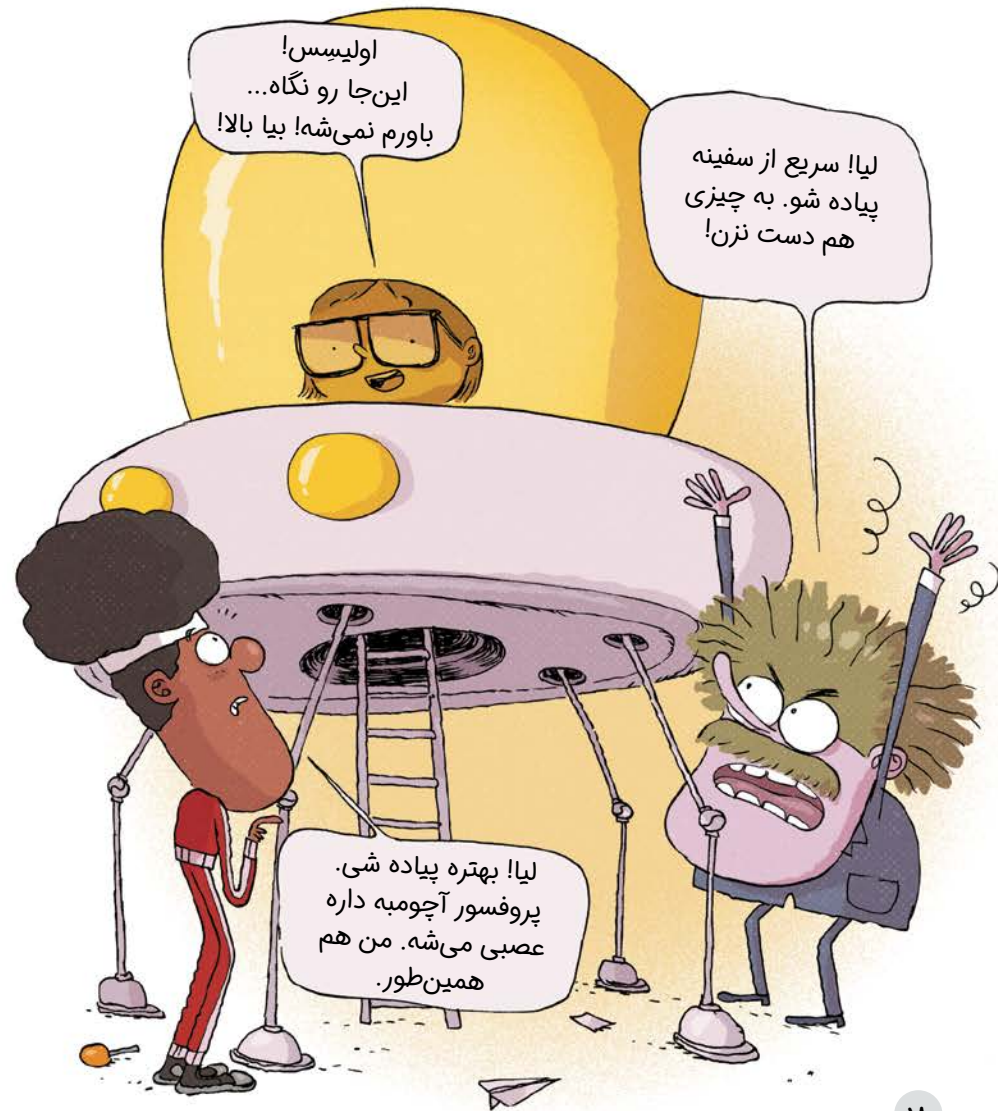
... روزی لیوینگستن به آرامی در ساحل دریاچه‌ی زوگا قدم می‌زد. ناگهان تمساحی به او حمله کرد. ولی لیوینگستن نجات پیدا کرد، چون خیلی سریع‌تر از آن جانور حال به هم‌زن می‌دوید.

این ماشینه؟ می‌شه ببینیمش؟ می‌شه سوارش بشیم؟



با وجود غرغرای پروفیسور، لیا سوار سفینه شد و به همهی سوراخ‌سنبه‌هایش سرک کشید.

سروکله‌زدن با لیا به این آسانی‌ها نبود. برای همین، با وجود غرغرها و عصبانیت پروفیسور آچومبه، اولییس هم آخرش رفت توی سفینه.



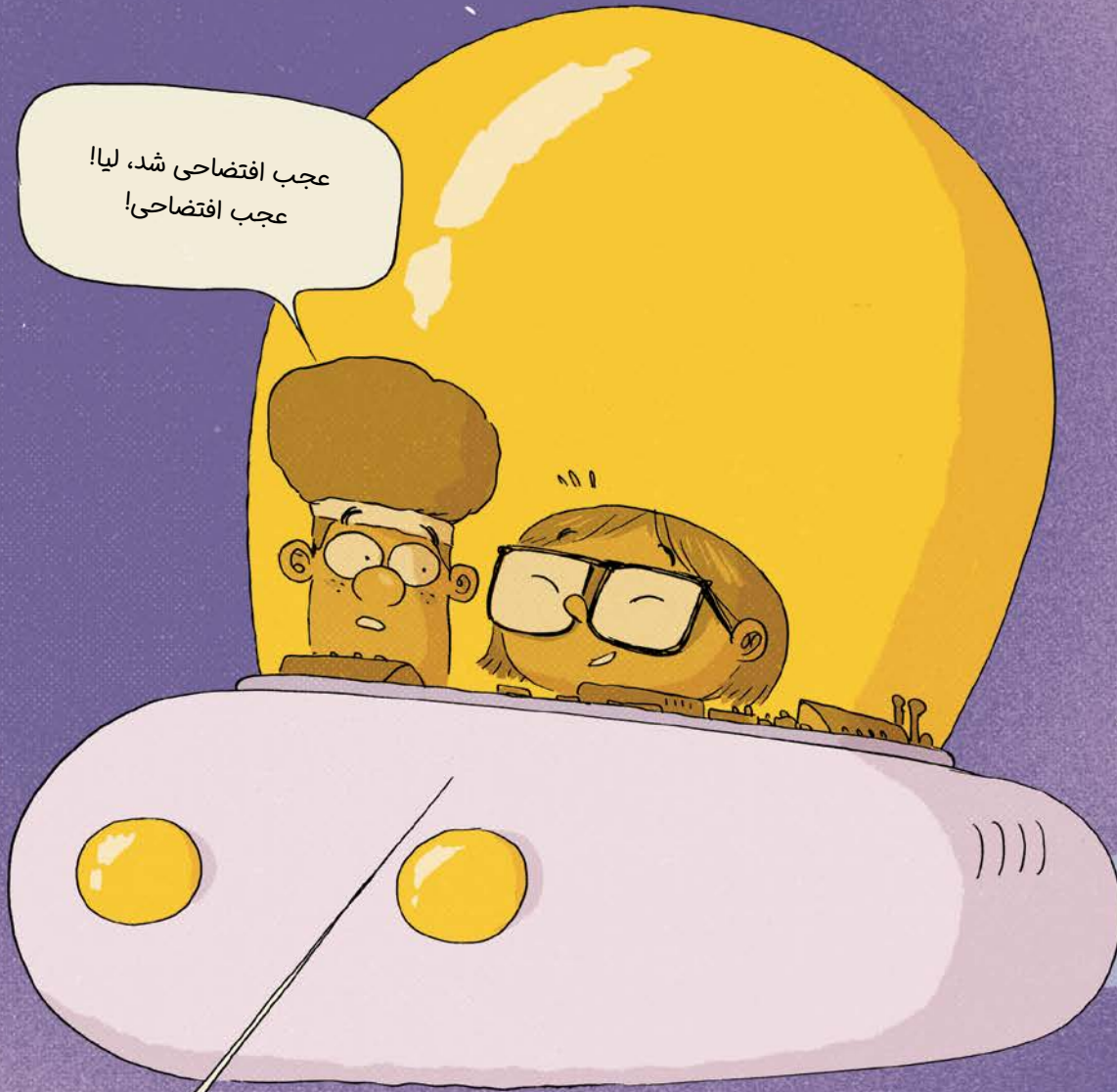
سفینه اول آرام آرام یکی دو سانتی متر جابه جا شد. بعد یکهو صدای وحشتناکی آمد. سقف کلاس از این سر تا آن سر باز شد و سفینه با سرعت فوق العاده زیادی از آن خارج شد.



آن وقت بود که اتفاق عجیبی افتاد. وقتی داشتند از سفینه پیاده می شدند، اولییس تلوتلو خورد و نشست روی صفحه ی هدایت سفینه. یک عالمه چراغ روشن شد. درها بسته شدند و صدای غرش موتور سفینه بلند شد.



چند ثانیه بعد، سرنديپ توی فضا بود و با این که
لیا و اولییس هنوز خبر نداشتند، داشت مستقیم
به سیاره‌ی ابدستان سفر می‌کرد.



عجب افتضاحی شد، لیا!
عجب افتضاحی!



ضدّ حال نزن! تازه این شد
یه ماجراجویی علمی!